

روزنه

درس‌های زن بودن در هند

ترجمه: مریم امیری

● CNN: «کوشی» نوزاد یک‌ماهه هندی که نامش «شادی» معنا دارد، اگر مادرش در مقابل فشارهای اقوام و همسایه‌ها تسلیم می‌شدد، شاید دیگر زنده نبود. سومنچی، مادر ۲۵ساله‌اش می‌گوید: «داد و فریاد می‌کنند که چرا دختر زاییده‌ای؟ می‌گویند از پشت‌بام بیندازش، بکشش! چرا نگهش داشته‌ای؟!» او می‌گوید مردم مدام تشویقش می‌کردند هر چهار دخترش را بکشند. به او می‌گفتند استطاعت تأمین چیزیه‌ی زور خور، برایشان نداری. سومنچی نمی‌دانست چطور باید آنها را بزرگ کند. از سویی می‌دانست از شرشان خلاص شدن، جنایت است. سومنچی گریه‌کنان می‌گوید: «چطور دخترها را وقتی هنوز در زهدان هستند می‌کشند؟ چطور چنین گناه هولناکی می‌کنند؟ جواب خدا را چه می‌دهند؟ چنین دختر نازنین و کوچکی مثل عروسک را هنوز به دنیا نیامده، می‌کشند»

تجاور گروهی وحشیانه به دختر ۲۳ ساله در دهلی‌نو و موج خشمی که متعاقب آن برخاست، بر رنجی که زنان هندی هر روزه با آن دست به گریبان هستند نور تاباند. هزاران نفر به خیابان ریختند تا نه تنها علیه تجاوز که علیه تبعیضی که بسیاری از زنان هندی تمام عمرشان را با آن سر می‌کنند، اعتراض کنند. طبق رتبه‌بندی بنیاد تاسمون روترز، هند چهارمین کشور خطرناک برای زنان پس از افغانستان، کنگو و پاکستان است.

طبق آمار دیگر در هند هر ساله ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار جنین دختر سقط می‌شود. زیرا والدین ترجیح می‌دهند پسر داشته باشند. «تبعیض» برای دختران هندی از دوره جنینی آغاز می‌شود و در سراسر زندگی یا به پا به دنبال‌شان می‌آید.

کریت سینگ، فعال حقوق زنان و وکیل می‌گوید: رفتار والدین هندی با فرزندان دختر و فرزندان پسرشان تفاوت فاحش باهم دارد. دخترها غذای بدتر می‌خورند و آموزش ناگافی می‌بینند. والدین دختر بزرگ می‌کنند فقط برای اینکه زن کسی شوند، «چرخه خشونت و تبعیض برای دخترها از روزی که به دنیا می‌آیند -اگر به دنیا بیایند- تا سال‌های بعد که همسر یا مادر می‌شوند، بی‌وقفه ادامه دارد» سومنچی می‌گوید این چرخه را همواره می‌بیند. «والدین پسرها را به مدرسه خوب می‌فرستند، غذای خوب به آنها می‌دهند و لباس خوب می‌پوشند. با پسرها خوب رفتار می‌کنند. می‌گویند: آره این پسر من! ولی به دختری‌ها می‌گویند تو گاو بدوش و کف بساب! تحصیل می‌خواهی چه کنی؟!»

تقریباً نیمی از دخترتان هندی تا پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. سومنچی تنها ۱۲ سال داشت که مجبور به ازدواج با مردی ۱۵سال بزرگ‌تر از خود ازدواج کند. دخترها را به چشم بدهی مالی نگاه می‌کنند. زمانی که ازدواج می‌کنند آنچنان چیزیه‌ی سنگینی با خودشان می‌برند که گاهی تمام پس‌انداز خانواده صرف آن می‌شود. دولت چیزیه‌ی سنگین را ممنوع کرده ولی همچنان مرسوم است. پس از ازدواج نیز خشونت فیزیکی در هند رایج است. تحقیق یونیسف در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد پسرهای نوجوان هندی معتقدند کتک زدن همسر کار بدی نیست.

خشونت علیه زنان خارج از خانواده رو به افزایش است و شواهد در این زمینه تکان‌دهنده است. در ۴۵ جولای ۲۰۱۲ دستکم ۱۸ مرد در ۱۵ دقیقه به یک دختر جوان در ایالت شمالی آسام تجاوز کردند. مردم این حادثه را دیدند و فیلم هم گرفتند ولی کسی کمک نکرد.

در سپتامبر ۲۰۱۲، ۸۰ مرد به دانش آموز ۱۶ ساله‌ای تجاوز کردند. پدر دختر از شرم خودکشی کرد. همین یک ماه پیش پنج مرد به مادری در خائناش تجاوز کردند. این جنایت پس از اینکه تجاوز گروهی دهلی‌نو در مرکز توجه جهانی قرار گرفت، فاش شد.

ایمن زن می‌گوید: «ما فقیریم، به خاطر همین کسی صدامیان را نمی‌شنود. وقتی به پلیس گزارش دادم تنها کاری که کردند رول آرتی را به صدامی ما شنیدند نمی‌شنود. ولی ما عدالت می‌خواهیم.» تنها یکی از مردهای متجاوز دستگیر شد و دیگران گریختند.

طبق اطلاعاتی که دولت هند می‌گوید بیش از ۲۴هزار مورد تجاوز در سال ۲۰۱۱ گزارش شده است. بیش از این میزان هرگز گزارش نشده است زیرا این موضوع همیشه به «کنز» اغشته بوده است. اما پس از تجاوز گروهی دهلی‌نو، آنچه در هند تابلو بود در صدر اخبار جهان قرار گرفت.

زنان هندی، در برخی موارد گام‌های بلندی برداشته‌اند. نرخ بوساودی زنان در حال رشد است، نرخ مرگ و میر مادران در حال کاهش و میلیون‌ها زن هند اکنون شغل هستند. زنانی مانند رییس شورای ملی هند و بیوه نخست‌وزیر سابق، مثال‌هایی هستند که نشان می‌دهند زنان در هند می‌توانند به کجاها برسند ولی آنها استثنا هستند.

رهبران سیاسی هند اذعان دارند که اقدامی باید صورت گیرد و می‌گویند برای بهبود امنیت زنان کارهای کرده‌اند. وزیر کشور می‌گوید برنامه دارد تا زنان بیشتر در پلیس استخدام شوند. در حال حاضر تنها هفت درصد نیروهای پلیس هند زن هستند. «حُط کمک» در ایالت هارپانا، امانداری شده و به زودی سایتی تأسیس خواهد شد که در آن متجاوزان تحت تعقیب فهرست خواهند شد.



جهان



عکس: AFP

پیشروی آرام سوسیالیسم در آمریکا

ترجمه: محمد علی عسگری

در انقلاب سال ۱۷۷۶ آمریکا به این کشور آمد تا در این انقلاب شرکت کند و سپس به فرانسه رفت تا در انقلاب فرانسه (سال ۱۷۸۹) شرکت کند.

در قرن نوزدهم اندیشه‌های سوسیالیستی در اروپا منتشر شد اما در آمریکا این فکر با استقبالی مواجه نشد زیرا در درجه اول آمریکایی‌هایی که مشغول تجارت بردگان بودند و به تبعیض نژادی علیه سیاهان اعتقاد داشتند با آن مخالفت می‌کردند و از سویی دیگر بارون‌های انقلاب صنعتی یعنی غول‌های سرمایه‌داری آمریکا مثل فورد، راکفلر، کارنگی و مدین این اندیشه را قبول نداشتند اما با شروع قرن بیستم، اندیشه سوسیالیسم در آمریکا رشد کرد. در انتخابات سال ۱۹۱۲ حزب سوسیالیست آمریکا با شعار «کارگران جهان متحد شوید» در انتخابات شرکت و ایوجین دبس را برای ریاست‌جمهوری معرفی کرد. وی توانست تقریباً یک میلیون رای به دست آورد (که در واقع ربع آرای آن زمان در مقایسه با اکنون بود). حتی دو سوسیالیست در کنگره حضور داشته و صدها نفر دیگر نیز در فرمانداری‌ها مشغول به کار شدند.

اما این از تناقضات تاریخ است که انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷ در روسیه اتفاق افتاد و این امر شوروی بود بر ختم سوسیالیسم آمریکایی. سوسیالیست‌ها با دخالت آمریکا در جنگ جهانی اول (برای مقابله با دیکتاتوری‌های اروپایی) مخالف بودند و همچنین با تکت اصلی و دوازده گانه ویلسون برای حق تعیین سرنوشت ملت‌ها مخالفت کرده و آنها را «توطئه‌های سرمایه‌داری» تلقی و بر نگرانی از «بارون‌های سرمایه‌دار آمریکایی تآکید ورزیدند.

سپس فرانکلین روزولت (سال ۱۹۳۲) بر سر کار آمد و اصلاحات اجتماعی (سوسیالیستی) را بر نظام سرمایه‌داری آمریکا افزود. وی سبطره دولت بر بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ را تصویب کرد اما همان زمان سندیکاهای کارگری آمریکا که قاعدتاً باید با سوسیالیست‌ها هم پیمان می‌بودند با این اصلاحات مخالفت کردند. گرچه حزب سوسیالیست آمریکا هنوز هم حیات دارد اما گفته می‌شود تعداد اعضای رسمی آن بیش از ۱۰ هزار نفر نیست (درست مثل حزب کمونیست آمریکا).

پدر سوسیالیست‌های آمریکا

البته اوپاما هرگز از کلمه «سوسیالیست» استفاده نکرده و جرات این کار را هم ندارد. حتی اگر جراتش را هم داشته باشد او به معنای واقعی کلمه و به همان مفهوم تاریخی و جهانی اندیشه سوسیالیستی یک «سوسیالیست» به حساب نمی‌آید. اما مخالفانش هرگونه سبطره دولت بر سرمایه‌داران را نوعی «سوسیالیست» توصیف می‌کنند و به شدت با آن مخالفت می‌کنند. اوپاما بارها گفته است که از نظام سرمایه‌داری دفاع و حمایت می‌کند و در این باره باهمه آمریکایی‌های دیگر هم نظر است. آمریکایی‌ها به آزادی‌های فردی و سیاسی و اجتماعی و حتی نژادی باوری عمیق دارند. با این حال نکته جالب توجه این است که اکثر آنها خواستار نقش بیشتر دولت در تأمین خدمات اجتماعی به شهروندان هستند. بخصوص در حوزه‌های آموزش و پرورش یا بهداشت و حمل و نقل (و تا حد امکان کمک به فقر و کودکان و سالمندان). یک نظرسنجی که اخیراً افزایش تپیه شده نشان می‌دهد ۶۵درصد آمریکایی‌ها با افزایش مالیات بر ثروتمندان موافق هستند اما آیا همه اینها را باید نوعی گرایش به «سوسیالیست» در آمریکا قلمداد کرد؟

روند اندیشه سوسیالیستی در آمریکا

حتی پیش از طرح نظریه مارکسیسم (که می‌گوید مرحله سوسیالیسم قبل از مرحله کمونیسم است) در ابتدای قرن نوزدهم، آمریکا با نظریه سوسیالیسم‌اروپایی (که می‌گوید سوسیالیست مرحله سبطره دولت بر لپاز تولید است و این نظریه به مقلان انقلاب صنعتی و افزایش اهمیت سرمایه‌داران و وام‌های بانکی و افزایش سود سرمایه قرار می‌گیرد) آشنا شد. باوجود اینکه کلمه «هوشیاریزم» به معنای «سوسیالیست» ترجمه می‌شود. اما این کلمه همچنین می‌تواند به کلمه «اجتماعی» یعنی ترجیح منافع جامعه بر منافع سرمایه‌داری نیز ترجمه شود.

نخستین کسی که این کلمه را به کار برده هنری سیمون (متوفی سال ۱۸۲۵) فیلسوف فرانسوی از نسل روشنفکران انقلاب فرانسه بود. کسی که گفته می‌شود اساتد توماس پین (پدر سوسیالیست‌های آمریکایی) است هرچند به لحاظ فنی از او کوچک‌تر بود. توماس پین که یک بریتانیایی الاصل بود

کتاب شهرتی پیدا کرد و بیشترین تیراژ را در آمریکای آن دوران به دست آورد (در طول یک سال نیم میلیون نسخه از آن به فروش رفت که معادل ۱۰ میلیون نسخه در امروز خواهد بود). کتاب او در واقع نخستین کتاب پیرامون تفکر سیاسی جدید در آمریکا به شمار می‌رود و تقریباً ده‌ها سال جلوتر از کتاب «وراق فدرالی» است که شامل مباحث بنیانگذاران آمریکاست. در واقع کتاب پین حتی قبل از نوشتن قانون اساسی آمریکا شهرتی به دست آورده بود. (قانون اساسی آمریکا در سال ۱۷۸۸ و ۱۲ سال پس از استقلال نوشته شد). «سوفیا روزفیلد» نویسنده کتاب «بدیهی گری توماس پین و بدیهیات» در همان زمان نوشت که برخی از مردم او را «پدر بنیانگذاران» می‌دانند. امروزه کتب «عقل سلیم»

یکی از صد کتاب مهم تاریخ به شمار می‌رود که بعد از کتاب‌های مقدس ادیان و کتاب‌های افلاطون و ارسطو و نیز قبل از کتاب‌های آدام اسمیت «ثروت ملل» یا «اعتراقات» ژان ژاک روسو و «هانیفست» کارل مارکس و «در آزادی» جان بل سارتز یا «جنس دوم» سیمون دوبوار قرار می‌گیرد. طبعاً دیدگاه‌های مربوط به عدالت و آزادی که پین در این کتاب بر آنها تأکید می‌ورزد حرف تازه‌ای نیست اما وی این مفاهیم را در قالب‌های مردمی گذاشته و بشپوه‌هایی آسان توضیح می‌دهد. بر راحل‌های مربوط به آینده تأکید می‌ورزد و از مشکلات گذشته درمی‌گذرد. به آزادی و استقلال چندان بهایی نمی‌دهد و آنها را ابزار آزادی می‌داند. می‌گوید استقلال یک هدف نیست بلکه ابزاری است برای دست یافتن به رفاه و رشد. آزادی نیز هدف نیست بلکه ابزاری است برای دست یافتن به کرامت و عزت و افتخار. وی آزادی و عدالت را این‌گونه با هم در پیوند قرار می‌دهد که اولاً «اگر در آزادی عدالت نباشد آن آزادی کامل نخواهد بود» مثل دولت آزادی که سیاست‌های تفرقه‌فروشنه و تبعیض‌آمیز هم بین شهروندان اعمال می‌کند. از سویی دیگر به گفته پین «عدالتی که در آن آزادی نباشد عدالت نیست» مثل دولتی که حرف‌از عدالت می‌زند اما به شهروندانش آزادی نمی‌دهد. حتی

پس از تحقق آزادی و دموکراسی به اعتقاد پین باید با تبعیض بین فقرا و ثروتمندان و بین طبقه حاکم و عامه مردم مبارزه کرد. وی نوشت: «باید تنها به رای‌گیری در انتخابات اکتفا کرد و دولت را به تنها کسانی سپرد که مالیات می‌دهند یا صاحبان املاک هستند» یعنی بین طبقات فقیر و غنی نباید فرقی گذاشت. «حتی یک شهروند عادی هم می‌تواند در مورد حکومت و سیاست، فرامینی عقلاانه صادر کند. بله مفهومی وجود دارد به نام خرد مردمی که باید به آن توجه داشت». یعنی نباید بین گروه نخبان و عموم مردم تبعیض قایل شد از همین‌رو توماس پین نام کتاب خود را «عقل سلیم» می‌گذارد.

مانند نام کتاب، سوسیالیسم توماس پین نیز بر یک سری بدیهیات استوار است نه بر یک سری نظریات. در واقع بر یک «فلسفه مردمی» که موضوعات را ساده می‌کند. مثل (عدالت) یا تا عدالتی، نه اینکه خود را در بحث‌های پیچیده‌ای (مثل اینکه عدالت چیست؟) غرق کند وی بر نظریه «عدالت طبیعی» استناد کرده که آن هم بر نظریه «قانون طبیعی» استوار است و می‌گوید اخلاق متعالی جزو طبیعت بشری است و طبعاً بر نظریه «حقوق طبیعی» منکمی می‌شود و می‌گوید این حقوقی جهانی و ابدی است و به مکان یا زمان یا حتی شخص خاصی تعلق ندارد.

از این رو می‌گوید باید عدالت قراردادی در قوانین اساسی کشورها بر سبک عدالت طبیعی نوشته شود. جان نیکلاس، روزنامه‌نگار و نویسنده مجله لیبرال مسلک «نشین» در این باره می‌گوید: می‌توان توماس پین را پدر فکری و یکی از سالم‌ترین بنیانگذاران آمریکا دانست. او یک برده‌دار نبود و بعداً استقلال می‌ترسید پس خوش را بر جلد کتاب ننوشت و تنها به این لفظ اکتفا کرد که نویسنده آن یک «بریتانیایی» است. به‌زودی



عکس: AFP

در بریتانیا و چه در سال‌های آخر عمرش در ایالات متحده آمریکا بسیار بد شانس بود. مشکلات او زمانی شروع شد که از بنیانگذاران آمریکا بخصوص افرادی چون جورج واشنگتن (نخستین رییس‌جمهور آمریکا) که از تشی از بردگان داشت جدا شد. یا بعد از جدایی‌اش از توماس جفرسون (پدر لیبرال‌های آمریکا) که شمنانش گفتند او جزو بنیانگذاران آمریکا نیست؛ زیرا از یک سو خارجی است و از سویی دیگر در جنگ استقلال حضور نداشته و سوم اینکه اعلامیه استقلال آمریکا را امضا نکرده است و چهارم اینکه در نوشتن قانون اساسی مشارکتی نداشته و پنجم و از همه مهم‌تر اینکه او یک سوسیالیست افراطی است و بالاتر از همه اینکه او در بریتانیا و فرانسه زندان کشیده است.

در واقع توماس پین در فرانسه به زندان افتاده بود. او پس از پیروزی انقلاب استقلال آمریکا به فرانسه سفر کرد تا در انقلاب این کشور (۱۷۸۹) شرکت کند. وی جایی نوشت که موسسان آمریکا (منظورش واشنگتن و جفرسون و دیگران بود) اشاره کرده بودند که او زندانی شود.

وقتی سال ۱۸۰۲ به آمریکا برگشت، جفرسون رییس‌جمهور این کشور بود. یکبار دیگر توماس پین با او به دلیل ارتش بردگان اختلاف پیدا کرد وجفرسون نیز با او دشمنی کرد. جالب اینکه روحانیون مسیحی نیز به دلیل حملات او به انجیل که در کتاب «عصر منطق» آمده است با او دشمنی می‌کردند.

پین باقی عمرش را به صورت منزوی سپری کرد. جز مزرعه‌ای در نزدیکی نیویورک ملک و املاکی نداشت و در سال ۱۸۰۹ وقتی در همان جام‌رمد، کلیسا از دفن او در مزارهای مسیحی جلوگیری کرد و در نهایت در همان مزرعه خودش دفن شد. روزنامه «نیویورک سی‌تی‌زن» در هنگام مرگ او نوشت: او کسی بود که بعضی کارهای نیک انجام داد اما کارهای شرش نیز کم نبود. گفته می‌شود در مراسم تشییع جنازه او فقط شش نفر حضور داشتند که دو نفرشان از سیاه‌پوستان بودند.

۱۰ سال پس از مرگ او، تعدادی از روشنفکران انگلیسی که طرفدار تفکرات سوسیالیستی توماس پین بودند به آمریکا آمدند و از آمریکایی‌ها به دلیل دشمنی با او انتقاد کردند. آنها تصمیم گرفتند بقایای پیکر پین را به بریتانیا منتقل کنند تا مانند «یک قهرمان» در آنجا دفن شود. سرآمد اینان ویلیام کوپیت بود که یک روزنامه‌نگار سوسیالیست بریتانیایی به شمار می‌فت. سرانجام بقایای پیکر او به انگلستان منتقل شد اما پیش از آنکه در آنجا دفن شود تحت شرایط نامعولومی ناپدید شد. بعدها انگلیسی‌ها گفتند بقایای پیکر او را در اختیارش دارند اما یکی گفت تنها جمجمه او تا به امروز کشف شده است. ازهمین‌رو این پدر سوسیالیسم آمریکا مقبره‌ای ندارد. شاید این هم اشاره دیگری باشد به سرنوشت سوسیالیسم تاریخ آمریکا» خواهد بود.

مسلمان سوسیالیست؟

پس از آنکه حزب جمهوری‌خواه آمریکا نتوانست باراک اوپاما را در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری شکست دهد، این حزب و بخصوص جناح تندرو آن، حزب جای، همچنان اوپاما را به سوسیالیست بودن متهم می‌کنند و هشدار می‌دهند که چون او نمی‌تواند یک دوره دیگر نامزد شود در فرصت این چهارسال تمام آنچه را در نظر دارد انجام خواهد داد. از این رو به اعتقاد آنها سال‌های آینده «خستین دوران سوسیالیسم» تاریخ آمریکا» خواهد بود.

البته کسانی مانند راش لیمبو، جمهوری‌خواه متعصب که یک برنامه رادیویی روزانه با نزدیک ۲۰ میلیون مخاطب دارد از اینها هم جلوتر رفته و اتهامات دیگری را نسبت به او مطرح می‌کنند. حتی پیش از آنکه اوپاما خود را برای انتخابات در سال ۲۰۰۸ نامزد کند لیمبو به اشکال مختلف از جمله رنگ پوست، او را به متسخر می‌گرفت و ترانه‌ای را بخش می‌کرد که می‌گفت «وپاما یک سیاه جادوگر است». وی همچنین اوپاما را به این امر که یک «مسلمان مخفی» است متهم می‌ساخت و می‌گفت او یک «کمونیست» است.

حال آیا چنانکه گروه‌های افراطی و راست آمریکا می‌گویند دومین دوران ریاست‌جمهوری باراک اوپاما موجب تقویت گرایش‌های سوسیالیستی در این کشور خواهد شد؟

منبع:الشرق الاوسط

نیم نگاه

ایست بازرسی برای کارگران

● تا پیش از این روزانه هزاران کارگرفلسطینی به همراه یهودیان سوار اتوبوس‌های اسرائیلی شده و به سر کار خود می‌رفتند اما این همزیستی از چندی پیش دچار اختلال شده است. اخیراً راننده‌های اسرائیلی بدون دلیل موجهی کارگران فلسطینی را به‌دغم داشتن مجوز کار از اتوبوس‌های خود پیاده می‌کنند. وقتی پای پلیس به میان کشیده می‌شود تنها پاسخی که کارگران فلسطینی می‌شنوند اینکه به دلایل امنیتی آنها اجازه ندارند سوار اتوبوس‌های شهری در اسرائیل شوند. حتی یکبار وزارت حمل‌ونقل اسرائیل پیشنهاد استفاده فلسطینی‌ها از اتوبوس‌های مجزا را داد. به گفته مقامات اسرائیلی مردم از سوار شدن فلسطینی‌ها ناراحت نیستند اما احتمال وقوع حوادث تروریستی آنها را نگران می‌کند. این احساس نگرانی پس از حمله چندی پیش در اسرائیل بروز پیدا کرد که طی آن یک اتوبوس منفجر و ۲۸ مسافر آن زخمی شدند. این حادثه پس از حمله اسرائیل به غزه تحت عنوان «ستون ابرها» صورت گرفت. مقامات اسرائیلی می‌گویند گذاشتن اتوبوس‌های مخصوص برای فلسطینی‌ها با صرفه خواهد بود اما اینچنین پیشنهادی از سوی محافل حقوق‌پیشری به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. «بی‌نسام» فعال حقوق بشری می‌گوید: «چنین بهانه‌هایی می‌تواند پوششی برای اقدامات نژادپرستانه باشد». حنا زوهار که یک فعال حقوق‌پیشری در اسرائیل است می‌گوید: من یکبار به اتفاق کارگری که چنین موضوعی را مطرح کرده بود رفتم. وقتی می‌خواستیم با هم سوار اتوبوس شویم راننده از سوار شدن دوست فلسطینی‌ام جلوگیری کرد. ما می‌خواستیم از این صحنه‌ها فیلم بگیریم اما مأموران پلیس مانع شدند. آن کارگر فردی بود که در نزدیکی تل‌آویو در کرانه باختری زندگی می‌کرد و هر روز مجبور بود بین کرانه باختری و اسرائیل رفت و آمد کند. زوهار می‌گوید: من هر روز تقریباً یک یا دو مورد از این برخوردها را می‌بینم. راننده‌های اتوبوس معمولاً تحت فشار مسافران اسرائیلی چنین کاری را می‌کنند زیرا مسافران می‌گویند با سوار شدن یک فلسطینی دیگر احساس امنیت نمی‌کنند. این درحالی است که همه فلسطینی‌هایی که سوار اتوبوس می‌شوند حتماً از ایست‌های بازرسی عبور کرده و بنابراین نباید جایی برای نگرانی وجود داشته باشد. به نظر زوهار، تأسیس دو خط اتوبوس متمایز یک فکر کاملاً جدید است اما اگر اسرائیل امروز بتواند چنین تبعیضی را تحمل کند پس فردا خواهد توانست تبعیض مشابهی را بر تمام فلسطینی‌های داخل اسرائیل اعمال کند. تأسیس دو خط جداگانه معنای دیگری‌ش توسعه شکاف بین دو ملت فلسطینی –اسرائیلی است.

منبع:فرانس پرس عربی

دریچه

امید کم‌نور به مطبوعات آزاد در چین

شیائو شو . تانیا تجلی

● مناقشه میان یکی از بزرگ‌ترین روزنامه‌های چینی «سوترن ویکند» و دولت هفته گذشته با مصالحه هر دو طرف به پایان رسید. مقامات چینی از جمله حزب کمونیست چین به سهم خود با دادن امتیازاتی از قبیل پایان دادن به سانسور در استان گوانگ‌دونگ و اجازه استقلال بیشتر به سرقاقله‌ها گفت که درنهایت آنها را کمی آرام کنند. اعتراض برخی از استادان دانشگاه به فضای سیاسی چین منجر به جلب توجه افکار عمومی جهان به مسأله آزادی مطبوعات و تهدید به تظاهرات گسترده در سراسر چین شد. با وجود اینکه اکثر سازمان‌های خبری به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت کنترل دولت هستند اما به طول همه گذشته استادان‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در چین افزایش یافته است. رسانه‌های خبری چین مشروعیت دولت را به چالش نمی‌کشند، آنها درصدد هستند استانداردهای خود را مطابق با روزنامه‌نگاری افزایش دهند، نه مطابق منافع حزب حاکم. در چند سال اخیر با افزایش ناآرامی‌های اجتماعی دولت در صدد تشدید نجات خود برآمده است. من با شش سال تجربه کار با عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت همیشه بی‌طرفانه و متعادل بوده است تا متضاد با این وجود در اواخر مارس ۲۰۱۱ بدون هیچ توضیح و هشدارلی مجبور بودم انتقاد از روزنامه «سوترن ویکند» شدم. این زمان آغاز نگرانی دولت چین بود. زمانی که دولت نگران گسترش انقلاب‌های دموکراتیک‌به چین بود.دولت می‌ترسید که این انقلاب‌ها موجب تشویق ناآرامی‌های بالقوه در چین شود. خروج من از «سوترن ویکند» به منزله تسلیم به فشار دولت محسوب شد و در این شرایط فضا برای گفتمان باز محدود شد. فشار دولت در اواخر ماه می بیشتر به زمانی که «هو زن» رییس تبلیغات استان گوانگ‌دونگ شد، او قدرت خود را به عنوان مفسر ارشد تجربه شکوفایی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و کاهش شکوفایی آن را دانسته‌ام. گرچه گاهی اوقات از دولت انتقاد کرده‌ام اما نگاه من نسبت به دولت